



Phenomenological understanding of the lived experience of single young people from the new way of seeing and being seen

*Marziyeh shahryari**¹, *Najmeh motitabar*²

(Receipt: 2022.02.10 - Acceptance: 2023.07.08)

Abstract

The purpose of the current research is to analyze the lived experience of young people and the meanings arising from their mental world of single life. In accordance with the phenomenological method and research context, in-depth interviews were used. The statistical population in this research is the single youth over 20 years old in Ahvaz city. The research continued with the purposeful sampling method and using the semi-structured interview tool until reaching theoretical saturation. The results of the research show that neglecting values in selection skills, desire for freedom, fear of being hurt in a new way, having different priorities, habit of daily life, rethinking sexual interactions and sexual daring. In particular, men feel the loneliness, abandonment and isolation that is the result of moving against the accepted path of the society inside themselves, and do not consider themselves to belong to the social and cultural assets of their society - and without Paying attention to the values, they make a decision to determine their duty, while women seek to perceive a new way of being seen in the virtual space and sexual interactions in order to avoid being harmed.

Key Words: Lived experience, phenomenological, sexual boldness, possibility-desirability gap, living the single world

1. Assistant Professor Department of sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

*.corresponding author: m.shahryari@scu.ac.ir

2. Graduated from the Department of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. n.motiestabar@yahoo.com



10.30495/jsec.2023.1902274.1979



فهم پدیدار شناسانه تجارب زیسته جوانان مجرد از شیوه جدید دیدن و دیده شدن

مرضیه شهریاری^{1*}، نجمه مطیعی تبار²

(دریافت: 1400/11/21 - پذیرش نهایی: 1402/04/17)

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، واکاوی تجربه زیسته جوانان و معناهای برآمده از دنیای ذهنی آنان از زندگی مجردی است. مطابق با روش پدیدارشناسی و زمینه تحقیق از مصاحبه عمیق استفاده گردید. جامعه آماری در این پژوهش، جوانان مجرد بالای 30 سال شهر اهواز است. پژوهش با روش نمونه گیری هدفمند و با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. نتایج پژوهش بیانگر آن است که بی توجهی به ارزش ها در مهارت‌های گزینش، تمایل به آزادی، ترس از صدمه دیدن در نگاه جدید، داشتن اولویت‌های متفاوت، عادت به روزمرگی، بازاندیشی تعاملات جنسی و جسارت ورزی های جنسی بود. به طور خاص، مردان، تنهایی، رهاشدگی و انزوایی که حاصل از حرکت در خلاف مسیر پذیرفته شده جامعه است را در درون خود، احساس می کنند و خود را متعلق به داشته‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه خویش نمی داند و بدون توجه به ارزش ها، اقدام به تصمیم برای تعیین تکلیف خویش می کنند، در حالی که زنان برای جلوگیری از آسیب دیدن بدنبال ادراک شیوه جدیدی از دیده شدن در فضای مجازی و تعاملات جنسی جهت انتخاب شدن می باشند.

واژه‌های کلیدی:

تجربه زیسته، پدیدارشناختی، جسارت¹ ورزی جنسی، شکاف امکانات - آرزومندی، زیست جهان مجردی

مقدمه

1. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

* نویسنده مسئول: m.shahryari@scu.ac.ir

2. دانش آموخته گروه جامعه شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران n.motiestabar@yahoo.com

وسعت و عمق ارتباطات اجتماعی فرد پیش بینی کننده بهزیستی ذهنی است و ارتباطات اجتماعی (مانند همسر، دوستان نزدیک و افراد مورد اعتماد، همسایگان دوستانه و همکاران حامی) احتمال غمگینی، تنهایی، عزت نفس پایین را کاهش می دهد. دن (Helliwell and Putnam 2004). در بیشتر کشورهای غربی می توان جایگاه رو به کاهش ازدواج را در زندگی افراد مشاهده کرد (Næss et al. 2015)، به ویژه در زندگی جوانانی که ازدواج را به تعویق می-اندازند و روابط قبل از ازدواج خود را طولانی می کنند (Lehnart et al. 2010) این تغییرات با پذیرش اجتماعی بالاتر از جایگزین های ازدواج، مانند زندگی مشترک غیرهمجنس گرایانه و مجردی همراه است. در نتیجه، مزایای روانشناختی ازدواج نسبت به مجردی ضعیف تر شده است (Glenn, 1988: 34).

در حالی که تعداد افراد مجرد در حال افزایش بوده است، به ویژه در مورد کسانی که اعلام می کنند مجرد بودن را انتخاب می کنند، بررسی اینکه آیا و چگونه مجردی داوطلبانه و غیرارادی بر عملکرد روانی-اجتماعی جوانان مجرد تأثیر می گذارد، مهم است. این موضوع با توجه به این واقعیت که اگرچه مجرد ماندن با توجه به طول عمر افراد طولانی تر می شود و به طور فزاینده ای شیوع پیدا می کند، اهمیت بیشتری پیدا می کند، اما مجرد ماندن - به ویژه با انتخاب - منجر به برداشت منفی از افرادی می شود که چنین انتخاب هایی را انجام می دهند. به عنوان مثال، موریس و آزرین¹ (2016) در مطالعه خود دریافتند که مجردانی که مجرد ماندن را انتخاب کرده اند نسبت به مجردانی که می خواهند ازدواج کنند، منفی تر (به عنوان خودمحورتر و کمتر سازگارتر) تلقی می شوند. موضوع مجردی غیر ارادی به مجرد ماندن و تجربه نیاز برآورده نشده به داشتن شریک یا همسر محدود نمی شود.

بنابراین، مجردی غیرارادی ممکن است با اثرات منفی خاصی مرتبط باشد، برای مثال بی فرزندی غیرارادی و اهداف برآورده نشده والدین. به نوبه خود، افراد بدون فرزند به طور غیرارادی تعدادی از علائم فیزیولوژیکی و روانی پریشانی (مانند شکایت از سلامت، افسردگی، اضطراب و حتی سوگ پیچیده) را تجربه می کنند (لچنر و همکاران 2006).

در جوامع فراصنعتی معاصر، بخش قابل توجهی از افراد بالغ مجرد هستند، یعنی در هیچ رابطه عاشقانه ای درگیر نیستند. به عنوان مثال، یک مطالعه در سال 2005 نشان داد که 32.7٪ از جمعیت بزرگسال در ایالات متحده در یک رابطه صمیمی نیستند (مرکز تحقیقاتی پیو، 2006). این مطالعه در سال 2013 تکرار شد و تعداد افرادی که در یک رابطه عاشقانه درگیر نبودند 35٪ از جمعیت را

۱. Mauritian and Osborne

تشکیل می دادند (مرکز تحقیقاتی پیو، 2013). به طور مشابه، مطالعه دیگری که شامل یک نمونه ملی از بزرگسالان آمریکایی بود نیز نشان داد که از هر چهار شرکت کننده تقریباً یک نفر شریک صمیمی ندارد (رزنفلد و همکاران، 2015). در واقع، به نظر می رسد مجردی در حال افزایش است. به عنوان مثال، در حالی که در سال 1970 28 درصد از جمعیت بزرگسال در ایالات متحده مجرد بودند، این تعداد در سال 2002 به بیش از 40 درصد افزایش یافته است (DePaulo and Morris, ۲۰۰۵). بنابر آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران، بیشترین ازدواج‌های ثبت شده بر حسب سن زنان هنگام ازدواج و در سال 98 نیز به گروه سنی 20 تا 29 سال با 240 هزار و 745 رویداد ازدواج معطوف می شود که همانند مردان این آمار برای 9 ماهه نخست سال 98 و 99 نیز به همین گروه سنی در بین زنان تعلق دارد. در مورد آمار طلاق نیز، بیشترین طلاق‌های ثبت شده بر حسب سن مردان هنگام طلاق طی سال 98 با تعداد 76 هزار و 680 رویداد به گروه سنی 30 تا 39 سال تعلق دارد که این آمار در 9 ماهه نخست سال 98 و 99 نیز به همین گروه سنی در بین مردان معطوف می شود (مرکز آمار ایران، 1400).

در مطالعات طالب پور و همکاران (1401) با عنوان «بررسی تجربه زیسته مجرد قطعی از منظر دختران مجرد» یافته‌ها نشان داد مجرد قطعی در شرایط زمینه‌ای، مشکلات اقتصادی، اعتیاد پدر، از بین رفتن خانواده مبدأ، مسئولیت پذیر نبودن اعضای خانواده، تفاوت نسلی فرزندان و والدین و درک نشدن دختران از سوی والدین رخ می دهد. در این میان شرایط علی، بازی ندادن دختر در انتخاب همسر، بالابودن سطح انتظارات، شکست عشقی و بی اعتمادی به مردان، و شرایط ساختاری، آداب و رسوم غلط، تعصب بی مورد پدر، اظهار نظر همسایگان، تبعیض میان دختران و پسران، آسیب پذیری دختران و فقر فرهنگی اطرافیان موضوع را تشدید می کند.

مداحی و همکاران (1400) در پژوهشی با عنوان «مسئله مجرد: سوژه و زیست جهان نو پدید دختران شهر تهران»، ترجیح رهایی و آزادی، حداکثرسازی منفعت و فردمحوری، گذران اوقات فراغت در قالب مدرن، شرایط ایجابی مشاغل جدید و مجازی، خانه مجردی: زمینه‌های مدرن زیست جهان، سیالیت روابط با دیگران مهم، بازاندیشی بدن و اهمیت آن، گزینش انزوا و تنهایی، بی اعتمادی و بدبینی نسبت به مردان، تهران و آرمان‌شهر مجردان، ترس از شکست و طلاق مقولات اصلی، همچنین، «تجرد: زیست جهانی چندوجهی» به عنوان مقوله هسته‌ای بدست آمده از تحلیل داده‌ها بودند. در نهایت مدل پارادایمی بر اساس مقولات مستخرج از داده‌ها تنظیم شد. یافته‌ها بر این دلالت داشتند که دختران در انتخاب زیست جهان خود تبدیل به عاملان و کنشگرانی فعال شده و دست به انتخاب می زنند؛ مسئله‌ای که چالشی جدی و چندوجهی را پیش روی جوانان قرار داده است.

در مطالعه گنجی و همکاران (1400) با عنوان «گونه شناسی دختران ازدواج نکرده ایلامی برحسب دلایل مجرد» نتایج نشان می دهد؛ 8 سنخ را در تفسیر وضعیت دختران ازدواج نکرده ایلام می توان استخراج نمود که عبارتند از: «دختران مجرد سردرگم»، «دختران مجرد سرخورده»، «تعویق ازدواج تا تحقق اهداف»، «دختران مجرد مبادله نگر»، «دختران مجرد استقلال طلب»، «انگ خورده گان»، «دختران گرفتار در پنجره نگرشی بسته» و «دختران مجرد کمال گرا». به طور کلی می توان از نقش قاطع تغییرات فرهنگی و بستر اقتصادی جامعه مورد مطالعه در محقق شدن شرایط لازم برای پدیده افزایش سن ازدواج دختران جامعه ایلامی صحبت کرد.

شهبانواز و همکاران (1398) در مطالعه ای با عنوان «شناسایی و تحلیل پیشران های مؤثر بر مجرد در ایران» به این نتیجه رسید که عواملی نظیر «تأثیر رسانه های جمعی بر تغییر نگرش جوانان، پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، ناکارآمدی برنامه های دولت و نهادهای زیربنا برای تسهیل ازدواج» به عنوان پیشران های کلیدی که دارای بیشترین میزان تأثیرگذاری بر مجرد در ایران هستند. در مطالعات پرهوده و همکاران (1398) با عنوان «گرایش دانشجویان مرد 26 سال به بالا به مجرد نسبی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد شهر اسلام آباد غرب)» بین متغیرهای سن، بی اعتمادی به جنس مخالف، تماس با جنس مخالف ارتباط معنی داری وجود دارد.

چابکی (1395) در پژوهشی با عنوان «روایت دختران 45 سال به بالای شهر تهران از علل مجرد قطعی» یافته ها در قالب سه مقوله محوری: نگاه آرمان گرایانه دختران به ازدواج، تغییر نگاه نسبت به جایگاه دختران در خانواده و شرایط اجتماعی کاهش دهنده جاذبه ازدواج طبقه بندی شدند. با توجه به مقولات محوری، مقوله هسته "آرمان گرایی برآمده از ارزش های فرامادی" شکل گرفت. در مطالعه بای و همکاران (1391) با عنوان «بررسی نقش جرأت ورزی و خودآگاهی در پیش بینی عملکرد جنسی زنان» نتایج تحلیل رگرسیون چندگانهی گام به گام نشان داد که بین جرات ورزی، خود آگاهی جنسی و عملکرد جنسی، همبستگی معناداری وجود دارد. مدل فراهم شده نشان داد که 35 درصد تغییر در نمرات عملکرد جنسی، توسط جرات ورزی و خودآگاهی جنسی تبیین می شود. نتایج پژوهش حاصل نشان داد که زنان با جرات ورزی جنسی بالاتر و خودآگاهی جنسی کمتر، عملکرد جنسی بهتری دارند.

در مطالعه گروناب و بیزلتا¹ (2022) با عنوان «تجرد ناخواسته حتی پس از کنترل شخصیت با نگرش های زن ستیز»، مجرد ناخواسته به طور مثبتی با نگرش های خصمانه نسبت به زنان، شیء

۱. Grunau and Bieselt

سازی جنسی و افسانه های تجاوز جنسی، حتی پس از کنترل ویژگی‌های شخصیتی مانند موافق بودن، مرتبط بود. این نتایج کمی جدید نشان می‌دهد که تجرد ناخواسته یک عامل خطر روانی مهم برای نگرش‌های زن ستیزانه است.

اسپارکس¹ و همکاران (2022) در پژوهشی با عنوان «تجرد غیرارادی: مروری بر ایدئولوژی و تجربیات امجردها» نتایج نشان داد که طرد شدن، و سلامت روانی و عواقب عاطفی مرتبط‌مجردها از سطوح بالایی از طرد عاشقانه و درجه بیشتری از علائم افسردگی و اضطراب، دل‌بستگی ناایمن، ترس از مجرد بودن و تنهایی رنج می‌برند. مجردها مسائل مهم مربوط به رفاه روانی، اجتماعی و رابطه‌ای خود را گزارش می‌کنند و ممکن است از انجمن‌هایی که اغلب محتوای زن‌ستیزانه و خشونت‌آمیز دارند، حمایت کنند.

آپوستلو و کریستوفر² (2020) در پژوهشی با عنوان «چرا افراد مجرد می‌مانند» مشخص شد که جنسیت، سن و شخصیت به طور قابل توجهی دلایل تمایل افراد به مجرد ماندن را پیش‌بینی می‌کنند. در مطالعه پپینگ و مک دونالد³ (2019) با عنوان «دل‌بستگی بزرگسالان و مجردی طولانی مدت» پدیده مجردی طولانی مدت را از منظر دل‌بستگی مورد بحث قرار داده شده است و سه زیر گروه مجزای مجرد (مضطرب، اجتنابی و ایمن)، و نشان می‌دهد سودمندی این گروه‌ها با برجسته کردن ویژگی‌های منحصر به فرد آنها و نتایج احتمالی زندگی، از جمله عواملی که ممکن است این نتایج را تعدیل کنند. در نهایت مشخص شد جهت‌گیری‌های دل‌بستگی پیامدهایی برای درک مجردی دارند و ممکن است دلایل مجردی را به طور متفاوتی پیش‌بینی کند.

مطالعات نظری و تجربی اخیر تلاش کرده است دلایلی را که افراد را به مجرد بودن سوق داده است شناسایی کند (Pepping & MacDonald, 2019; Apostolou, 2019, 2017). با یک مطالعه به طور خاص (Apostolou, 2017) فهرستی شامل 76 مورد را ارائه می‌دهد. چنین دلایلی با این حال، هیچ یک از تحقیقات بعدی پس از آن، اعتبار این دلایل را با تمرکز انحصاری بر روی کسانی که واقعاً مجرد هستند بررسی نکرده است. از این رو، مطالعه حاضر به دنبال گسترش کارهای قبلی در مورد این پژوهش با پرسش از خود مجردها در مورد دلایل مجرد بودنشان صورت پذیرفته است.

ملاحظات مفهومی: دو عامل اصلی برای توضیح این پدیده در نظریات تکاملی پیشنهاد شده است که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

1. Sparks

2. Apostolou and Christoforou

3. Pepping and MacDonald

مزایای تناسب اندام- مجرد بودن

اگرچه ممکن است در ظاهر یک پارادوکس به نظر برسد، نداشتن شریک صمیمی در شرایط خاص احتمالاً موفقیت باروری فرد را افزایش می دهد. به طور خاص، هنگامی که افراد به دنبال همسر طولانی مدت می گردند، احتمالاً به دنبال ویژگی هایی مانند داشتن شغل خوب، موقعیت اجتماعی بالا و تحصیلات خوب هستند که می تواند نشان دهنده ظرفیت بالا برای تأمین منابع مورد نیاز برای تشکیل خانواده باشد (Buss, ۲۰۱۷). با این حال، بسیاری از این خصوصیات ذاتی نیستند. به عنوان مثال، مردم با یک شغل خوب به دنیا نمی آیند. به این ترتیب، ممکن است برای برخی افراد سودمند باشد که منابع محدود خود را برای توسعه این ویژگی ها قبل از جستجوی شرکای بلندمدت اختصاص دهند. چنین استراتژی ممکن است برای افرادی که به دنبال شرکای معمولی هستند مناسب نباشد و بنابراین کمتر نگران ارزش همسر خود هستند. اما ممکن است برای افرادی که به دنبال یک شریک طولانی مدت هستند، خوب عمل کند، و بنابراین، بیشتر نگران ارزش همسر دوم هستند. به عنوان مثال، برخی از افراد ممکن است تصمیم بگیرند قبل از اینکه به دنبال شریک ازدواج باشند، انرژی خود را برای پیشرفت شغلی خود متمرکز کنند. هنگامی که آنها این کار را انجام دادند، ممکن است شانس بیشتری برای موفقیت جفت گیری داشته باشند و بنابراین می توانند منابع خود را برای جذب شرکای بلندمدت مناسب منحرف کنند. به عبارت ساده، نداشتن شغل خوب یا نداشتن شغل، یک محدودیت عمده در بازار جفت گیری طولانی مدت، به ویژه برای مردان است. به همین ترتیب، داشتن یک شغل خوب یک مزیت بزرگ است. بر این اساس، از نظر موفقیت در بازار جفت گیری طولانی مدت، برای مردانی که به تازگی از دانشگاه فارغ التحصیل شده اند، سودمندتر خواهد بود که توجه خود را بر کسب یک شغل خوب متمرکز کنند تا داشتن یک همسر طولانی مدت. بر اساس این دیدگاه، انتظار داریم مجردها دلایلی مانند کمبود زمان برای رابطه و پیشرفت شغلی را برای وضعیت مجردی فعلی خود نشان دهند.

علاوه بر این، زوجین آینده نگر به طور قابل توجهی از نظر ارزش همسر متفاوت هستند - برای مثال، برخی جوان تر، ظاهر بهتر، سالم تر، باهوش تر و ظرفیت بیشتری برای تولید منابع نسبت به دیگران دارند. برخی از نظریه ها پیشنهاد می کنند که برای جفت جویان بهینه است که جفت هایی با ارزش جفت مشابه خود پیدا کنند. اگر آنها برای جفتی بیشتر از ارزش همسر خود تلاش کنند، ممکن است نتوانند آنها را برای مدت طولانی حفظ کنند. در حالی که اگر آنها برای جفت هایی با ارزش کمتر تلاش کنند، از مزایای یک همسر با ارزش بالاتر که در غیر این صورت می توانستند جذب کنند چشم پوشی می کنند (Buss, ۲۰۱۷). در واقع، افراد تمایل داشتند افرادی را به عنوان همسر

ترجیح دهند که ویژگی های مشابهی با آنها داشته باشند (Hitsch, ۲۰۱۰). که به نوبه خود می تواند منجر به جفت گیری دسته جمعی شود (Lou, 2017; Watson, ۲۰۰۴). با این وجود، چنین کاری زمان بر است، و بنابراین ممکن است برای افراد مفید باشد که با اولین همسر حاضر در راه خود آرام نگیرند، بلکه مجرد بمانند تا زمانی که همسری در دسترس پیدا کنند که ارزشی شبیه تر به خود داشته باشد. خود. از این منظر، ما انتظار داریم مجردها به عنوان دلایلی برای مجرد بودن در حال حاضر، گزنده بودن و انتظار برای فرد مناسب را نشان دهند.

همچنین می تواند برای جوانان سودآور باشد که مهارت های زناشویی خود را اصلاح کنند و با درگیر شدن در روابط گاه به گاه مختلف، قبل از انجام یک رابطه، تجربه زناشویی را به دست آورند. با کسب تجربه بیشتر و بهبود مهارت های معاشقه، ممکن است افراد شانس بیشتری برای جذب همسر بلندمدت با ارزش بالاتر داشته باشند. با توجه به این دیدگاه، انتظار داریم مجردها به عنوان مثال، به عنوان دلیلی برای وضعیت مجردی خود، توانایی معاشقه با افراد مختلف را نشان دهند.

مشکل عدم تطابق - مجرد بودن

انطباق ها مکانیسم هایی هستند که برای تعامل با جنبه های خاص محیط به منظور ایجاد نتایج افزایش تناسب اندام تکامل یافته اند (Tooby et al, ۲۰۰۵) وقتی این جنبه ها تغییر می کنند، سازگاری ها ممکن است به همان اندازه مؤثر نباشند یا در تولید نتایج افزایش دهنده تناسب اندام کاملاً بی اثر شوند. با این وجود، نیروهای انتخاب تکاملی بر روی ژن ها اعمال می شوند که این سازگاری ها را کد می کنند، وارثه ها یا آلل های ژنتیکی را که برای شرایط جدید بهینه نیستند، حذف می کنند و آنهایی را که هستند حفظ می کنند. در این راستا، این سازگاری ها در نهایت با محیط جدید سازگار می شوند، به طوری که با آن به شکلی فزاینده تناسب اندام در تعامل هستند. با این حال، این فرآیند زمان می برد و در این میان، افراد متعددی هستند که به دلیل داشتن سازگاری هایی که به درستی با محیطی که در حال حاضر اشغال می کنند تنظیم نشده اند، از مجازات های تناسب اندام رنج می برند. این به عنوان مشکل عدم تطابق شناخته می شود (Luo et al, ۲۰۱۷) و فرض شده است که یکی از دلایلی است که در پس میزان شیوع بالای مشاهده شده مجردی در جوامع فراصنعتی وجود دارد (Apostolou, ۲۰۱۵) به ویژه، سازگاری های روان شناختی که برای حل مطمئن مشکلات ازدواج و تولیدمثلی در زمینه اجدادی انجام می شوند، ممکن است در انجام این کار در محیط مدرن به همان اندازه مؤثر نبوده باشند، دلیل آن این است که ماهیت بازار ازدواج بین دو دوره زمانی متفاوت است. بسیار متفاوت است

روش تحقیق

پژوهش حاضر در چارچوب روش‌های کیفی انجام شده است که برای مطالعه درباره موضوعات کمتر شناخته شده و موضوعاتی که کسب نگاه نو و بدیع درباره آن هدف قرار گرفته مناسب است. روش کیفی رهیافت موثری برای دستیابی به اطلاعاتی است که در اعماق ذهن پاسخگو قرار دارد و به آسانی نمی‌توان به آنها دست یافت.

از میان روش‌هایی که در چارچوب روش‌ها (1387) رشد و توسعه پیدا کرده است برگزیده شد. کاوش در فرایندهای اجتماعی و تعاملی در حال ساخت توسط کنشگر در زندگی روزمره هدف اصلی در رهیافت نظریه مبنایی است.

داده‌ها در پژوهش حاضر از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختیافته و مشاهده گردآوری شده است. مصاحبه نیمه‌ساختیافته این امکان را می‌دهد که محقق ضمن داشتن چارچوبی روشن و مشخص برای جمع‌آوری اطلاعات و طرح پرسش‌ها، در صورت لزوم و متناسب با روند مصاحبه، تغییرات لازم را ایجاد کند و یا سؤالاتی را برای روشن شدن مطلب طرح نماید. استفاده از روش مشاهده به ویژه در موقعیت‌هایی که زمینه کنش‌ورزی‌های غیرتمندانه وجود دارد ولی امکانی برای مصاحبه وجود ندارد مورد توجه و تاکید بوده است.

در این پژوهش 32 مصاحبه عمیق با مردان و زنان ساکن شهر اهواز صورت گرفت که نمونه‌ها مطابق با اصل نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. مبنای داوری درباره تعیین حجم نمونه و توقف نمونه‌گیری اصل اشباع نظری بوده است. به منظور یافتن نمونه‌ها عمدتاً از استراتژی نمونه‌گیری گلوله برفی بهره گرفته شده و برای تعدادی از نمونه‌ها سابقه‌آشنایی و شناخت محقق با مصاحبه شونده‌ای که شرایط نظری لازم را داشته ملاک قرار گرفته است. علاوه بر معیار سن، معیارهای میزان تحصیلات، وضعیت طبقاتی از جمله معیارهایی بوده‌اند که سعی شد در تنوع دادن به نمونه‌های انتخابی مورد توجه قرار گیرد.

همچنین، از روش تحلیل محتوای هفت مرحله‌ای کلایزی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. روش کلایزی دارای 7 مرحله است که شامل: 1) تمامی توصیف‌های ارائه‌شده توسط شرکت‌کنندگان که مرسوم به پروتکل است به منظور به دست آوردن احساس و مانوس شدن با آنها از سوی پژوهشگران خوانده شد، 2) جملات مهم استخراج شد، 3) سعی شد تا به معنای هریک از جملات پی برده شود و به فرموله کردن معانی پرداخته شد، 4) مراحل فوق برای هر پروتکل تکرار شدند و معانی فرموله‌شده و مرتبط با هم در خوشه‌های متعدد مورد توجه قرار گرفتند که محقق نباید از این داده‌های به‌ظاهر نامناسب چشم‌پوشی کند، 5) سپس تلفیق نتایج در قالب یک توصیف جامع درمورد پژوهش انجام شد، 6) توصیف جامعی از پدیده تحت مطالعه به صورت یک بیانیه

صریح و روشن از ساختار اساسی پدیده مورد مطالعه به منزله «ساختار ذاتی پدیده» به دست آمد، (7) با مراجعه مجدد به هریک از شرکت‌کنندگان و انجام مصاحبه‌ای منفرد و یا انجام جلسات متعدد مصاحبه، نظر شرکت‌کنندگان درباره یافته‌ها پرسیده شد و نسبت به اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها اقدام گردید.

جدول 2. مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

کد	جنسیت	سن	تحصیلات	کد	مصاحبه شونده	سن	تحصیلات
1	مرد	53	فوق لیسانس	11	زن	39	لیسانس
2	مرد	56	لیسانس	12	مرد	43	فوق لیسانس
3	مرد	43	فوق لیسانس	13	مرد	52	دکتری
4	زن	48	لیسانس	14	زن	45	دکتری
5	زن	46	لیسانس	15	زن	50	دکتری
6	زن	43	فوق لیسانس	16	مرد	72	فوق لیسانس
7	مرد	39	لیسانس	17	مرد	32	فوق لیسانس
8	زن	54	لیسانس	18	مرد	30	لیسانس
9	زن	41	لیسانس	19	مرد	56	دیپلم
10	مرد	56	لیسانس	20	زن	51	لیسانس
21	زن	44	لیسانس	27	زن	34	لیسانس
22	زن	45	لیسانس	28	مرد	38	فوق دیپلم
23	مرد	47	لیسانس	29	مرد	39	دیپلم
24	زن	49	فوق لیسانس	30	زن	51	لیسانس
25	مرد	54	فوق لیسانس	31	زن	40	لیسانس
26	زن	53	لیسانس	32	مرد	44	لیسانس

یافته‌ها

بسترهای اصلی تجردگزینی در این پژوهش که شامل 11 مضمون اصلی و 218 مضمون فرعی می‌باشد که در جدول (3) ارائه شده است.

جدول 3. فرایند موجد تجرد

مضمون‌های اصلی	مضمون‌های فرعی
بازاندیشی در تعامل جنسی	خارج شدن زن از شی وارگی، ارزش بدن، مهم بودن خود، تن ندادن به هر قیمتی، قدر خود را دانستن
ترس از صدمه دیدن و شکست عشقی	ترس از رها شدن، خیانت همسر، بدبینی نسبت به جنس مخالف، صدمه روحی دیدن، افسردگی و اضطراب، تنها شدن، غم خوردن، آسیب روحی، برچسب خوردن، عدم اعتماد، محدود شدن، آزار و اذیت، صدمه فکری، بهم ریختن ایده آل ها، نرسیدن به آرزوها و انتظارات، ترس از دست دادن، ترس از وابستگی، ترس از عدم تعهد، بی وفایی
تمایل به آزاد بودن (فردگرایی)	راحت طلبی، فردگرایی، نداشتن دلبستگی، محدود نشدن، تعدد روابط، نداشتن آقا بالاسر، سرزندگی، لذت بردن از مجردی، لذت بردن از زندگی
ضعف مهارت‌های گزینش مناسب	نبودن کیس مناسب برای ازدواج، عدم توانایی در دلبری، ضعف در مخ زدن، حجب و حیا، نداشتن توانایی کلامی، عدم مهارت در نگه داشتن رابطه، ترس از رابطه داشتن، ترس از انگ های جنسی، درماندگی در بیان
عادت به روزمرگی	بیخیال شدن، دغدغه نداشتن، دلزدگی از زندگی، نداشتن حس مسئولیت پذیری، بی برنامه‌گی، بی هدف بودن، بحران انگیزه
احساس بی نیازی و داشتن اولویت‌های متفاوت	انتظار و ناامیدی، عدم موافقت خانواده با انتخاب، عدم تمایل به افراد علاقمند، عدم تفاهم با خواستگار، خودداری از ابراز علاقه، احساس مفید بودن، خودشیفتگی، ستایشگری خانواده
برساخت هویت در فضای مجازی	برآوردن خواسته های جنسی، دیدن فیلم های پورنوگرافی، وجود ارزش های جدید، نوآوری های فرهنگی، فضایی جهت ایجاد رابطه، ضعف سواد رسانه ای، دردسترس بودن هرگونه اطلاعات، رواج بی اخلاقی، تغییر در استانداردها، وقت گذرانی، جبران کمبودها در فضایی غیرواقعی، تأثیر بر سیستم فکری، تغییر در الگوی ازدواج، تعدد هویت های جعلی، افزایش ارتباطات بی پایه، هجمه‌های عاطفی و روانی، تجربه بیشتر و بهبود مهارت های معاشقه، بازتعریف هویت در فضای خصوصی
سم زدایی از تجربیات گذشته	تجرد احساسی و عاشقانه، کم رنگ شدن حساسیت های خانواده، کم رنگ شدن نقش سنن و فرهنگ سنتی، عدم اجبار خانواده نسبت به گذشته، آزادی فکری، حساسیت نداشتن به رابطه با دیگری، شکاک و بددل بودن، مهم نبودن قضاوت دیگران، کم رنگ شدن قاعده محرمیت، کم رنگ شدن نفوذ خانواده بر فرزند، عدم تحمیل انتخاب
جسارت ورزی های جنسی در زیست جهان مجردی	آزادی روابط، تعدد روابط صیغه ای، پررنگ شدن قاعده باهم باشی، توامان بودن لذت و درآمد، تنوع طلبی جنسی، هرج و مرج جنسی، راز آلود نبودن روابط، تقدیم رابطه بر ازدواج، جستجوی عاطفه در رابطه
شکاف امکانات - آرزومندی	احساس محرومیت، دغدغه مالی داشتن، انگ بی عاری، عقده شدن آرزوها، ریسک در ازدواج، عدم همخوانی واقعیت و انتظارات، ناامیدی از آینده، ناتوانی تعهد به زندگی، بدبخت کردن دیگری، سوگ جوانی، سرخورده شدن

حمایت اجتماعی ادراک شده از افراد مهم و دوستان در تعامل	عدم حس تنهایی، باهم باشی ها، پذیرش اجتماعی تعدد روابط، عادی بودن دوستی با جنس مخالف، درک شدن توسط دوستان، همراه بودن خانواده، درک شدن توسط پدر و مادر، سرکوفت نزدن خانواده
--	--

بسترهای تجردگزینی

حمایت اجتماعی ادراک شده از افراد مهم و دوستان در تعامل به درک میزانی از افراد از یک فرد اشاره دارد. شبکه های اجتماعی برای ارائه پشتیبانی اجتماعی در دسترس هستند (Adamczyk, 2016: 675) و ممکن است تأثیر مهم تری نسبت به حمایت اجتماعی دریافتی واقعی داشته باشد. طبق صحبت مشارکت کنندگان حمایت اجتماعی ادراک شده خانواده و دوستان مانعی در برابر کاهش احساس تنهایی هستند.

مشارکت کننده ای در این رابطه چنین می گوید: «خودم و هم خانواده ام اصرار داشتیم دوره لیسانس و فوق لیسانس تمام شود بنابراین در دوره دانشجویی برای این که مزاحمتی در راه تحصیل پیش نیاید به خواستگاران جواب منفی می دادیم. بعد از آن هم سختگیری خانواده شروع شد. وقتی من راضی می شدم، خانواده ام راضی نمی شدند و هنگامی که آنها راضی بودند من تمایلی به زندگی با آن فرد نداشتم. معیارهایی که در نظر داشتیم متفاوت بود. آنها به دنبال امنیت مالی و اقتصادی بودند و من دنبال داشتن نگاه مشترک به زندگی. تا این که دو سال پیش تصمیم گرفتم از خانواده جدا شوم و زندگی مستقلی را برای خودم تشکیل بدهم. پدر و مادرم ناراضی بودند اما وقتی دیدند مصمم هستم که خانه و زندگی جداگانه خودم را داشته باشم و از لحاظ مالی این توانایی را دارم، قبول کردند که دخترشان در خانه ای جداگانه اما نزدیک به آنها زندگی کند».

مشارکت کننده دیگری چنین می گوید: «به هر حال من الان از وضعیت زندگی ام راضی هستم. نمی گویم احساس تنهایی نمی کنم، نمی گویم فکر کردن به آینده نگرانم نمی کند، نمی گویم گاهی دلم نمی خواهد یک رابطه عاطفی پایدار داشته باشم و مادر بودن را تجربه کنم. اینطور نیست. گاهی این احساس ها خیلی هم شدت می گیرد؛ ولی وقتی به زندگی بعضی از دوستانم نگاه می کنم که چطور بدون علاقه و تفاهم و فقط به خاطر فرار کردن از حرف مردم تن به زندگی مشترک داده اند و نارضایتی را در چشمان می بینم، از تصمیمی که گرفته ام احساس رضایت می کنم».

عادت به روزمرگی

ریشه‌های روزمرگی از غریزه «عادت کردن» سیراب می‌شود؛ از توان غریزی ما برای تن دادن و خو کردن به شرایط و ساختارها و روال‌های موجود و تکرار الگوهای آشنا، پذیرفتن و بدل کردن آن‌چه در بستر زمان خطی و دائم دگرگون‌شونده رخ می‌دهد به پدیده‌ای عادت‌ی و طبیعی که در زمان چرخه‌ای و تکرارپذیر جاری است.

طبق نظر مافزولی^۱ (1988) در دوران جدید "با هم بودن"، آنچه بیش از همه اهمیت می‌یابد، زندگی در "حال" و "لذت بردن از لحظه‌ها" است و این نکته‌ای است که این جامعه‌شناس فرانسوی آن را به عنوان نوعی آرمان در فضای زیست اجتماعی مطرح می‌کند. آرمانی که در پی آن، انسان پست مدرن از امور و رویکردهای عقلانی و انتزاعی دوران مدرن رها شده و همه انرژی خود را معطوف به لذت بردن از "روزمرگی" و "اکنون" سازد (Maffesoli, ۱۹۸۸: ۱۳). طبق نظر مشارکت کنندگان، فرار از ازدواج یکی از شایع‌ترین عکس‌العمل‌ها در برابر مسئله ازدواج است. در واقع رفتارها و کنش‌های اجتماعی نیاز به زیرساخت دارد که این زیر ساخت‌ها می‌تواند انگیزه‌های فردی و گروهی را دستکاری کرده و آن را کم و زیاد کند و امروزه در جامعه ازدواج جوانان تحت متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و ارزشی فرهنگی قرار می‌گیرد.

مشارکت کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «عادت کردم به روزها را سپری کردن، اصلاً زندگی نمی‌کنیم. آنقدر گرفتاری‌ها زیاد هستند مشکل بی پولی، بیکاری و ... که بخاطر گرفتار نشدن در باتلاق این گرفتاری‌ها به راحتی قید ازدواج را می‌زنم و تنهایی را بر زندگی مشترک ترجیح می‌دهم».

ترس از صدمه دیدن و شکست عشقی

همه انسان‌ها در برابر موضوع ازدواج، می‌توانند احساس ترس داشته باشند و این تا حدی طبیعی است؛ اما مشکل زمانی ایجاد می‌شود که فرد بر اثر ترس زیاد یا تصورات اشتباه، ازدواج خود را به تاخیر می‌اندازد.

طبق نظر مشارکت کنندگان، ترس از ازدواج در دختران می‌تواند دلایل زیادی داشته باشد اعم از عدم شناخت، ترس از بازماندن از هدف‌های شخصی، دیدن یا شنیدن تجربیات تلخ اطرافیان به عبارتی برخی افراد می‌ترسند و فکر می‌کنند که تمام این اتفاقات برای آن‌ها نیز رخ خواهد داد، در صورتی که لزوماً این‌گونه نیست. از طرفی بسیاری از متأهلان به مجردان توصیه می‌کنند که ازدواج نکنند و دور و بر این دختران پر از افرادی است که وی را از ازدواج منع می‌کنند؛ طبیعی است

۱. Maffesoli

که این فرد هر چه بیشتر در این شرایط قرار بگیرد از ازدواج فراری شده و هرگز تصویر درستی از ازدواج پیدا نمی کند.

مشارکت کننده ای در این رابطه چنین می گوید: «مرا نگذارد و برود سراغ خوشگذرانی خودش، این که قدر زحمتهایی که می کشم را بداند، این که وقتی دیگر جوان نبودم باز هم مرا دوست داشته باشد، بی وفایی نکند. من زندگی پدر و مادر خودم را دیده ام؛ سال ها سختی و اجاره نشینی. دیده ام که مادرم چطور خسته از سر کار برمی گشت و تازه مشغول کارهای خانه می شد. می بینم که حالا چطور پیر و تکیده شده است. حالا برادرم برای تحصیل به خارج از کشور رفته است. من هم که دیر یا زود ازدواج می کنم. می مانند مادر و پدرم».

تمایل به آزادی (فردگرایی)

طبق نظر گیدنز، انسان مدرن مدام خود را بازناندیشی می کند، در مورد روابطش، بدنش به عنوان یک امر و واقعیت اجتماعی نگاه نمی کند و مدام تفکر می کند که آیا می تواند آن را تغییر دهد (کرایب، 1383: 366).

اکثریت مشارکت کنندگان معتقدند؛ یکی از پیامدهای مدرنیته و نوسازی، قدرت انتخاب در پرتو فردگرایی است. مدرنیته و نوسازی در حوزه های مختلف به فرد، قدرت انتخاب می دهد. بر خلاف جوامع سنتی که مصلحت جمعی تعیین کننده بود در حال حاضر مصلحت فردی و موقعیت خاص او تعیین کننده تر است. بر این اساس، ازدواج یک انتخاب است که فرد قدرت تصمیم گیری در مورد آن را دارد.

مشارکت کننده در این رابطه چنین می گوید: «پیش از این، من یک شب انبوه می رفتم، مثل داشتن رابطه جنسی بسیار سرگرم کننده و برای من، این فقط یک مجرد جنسی یا جسمی نبود، بلکه یک نوع مجرد احساسی و عاشقانه بود».

مشارکت کننده ای در این رابطه چنین می گوید: «تجرد می تواند به برخی از افراد کمک کند تا با خودشان ارتباط برقرار کنند "و روی کاری که می خواهند انجام دهند تمرکز کنند". او چنین ادامه می دهد: "آنها نمی خواهند مجبور شوند روابط، یا رابطه جنسی و قرار ملاقات را دنبال کنند. و این به آنها اجازه می دهد تا به چیزهای دیگری که واقعا برای آنها هیجان انگیز است متعهد شوند". او اضافه کرد که: «هنگام صحبت در مورد این مزایا، مهم است که مردم را برای لذت بردن از رابطه جنسی شرمندة نکنید. این بخش حیاتی و مهمی از احساس انسانیت برای بسیاری از مردم است". همچنین در حال افزایش استانداردهای خود هستیم. من نمی خواهم با کسی باشم که از نظر جنسی مرا راضی نمی کند».

مشارکت کننده دیگری در این رابطه چنین می گوید: «من از نوع خانواده نیستم». «تعهد مرا می ترساند» و «من می خواهم آزادانه به دنبال معاشقه باشم».

جسارت‌ورزی جنسی در زیست جهان مجردی

جرات ورزی به عنوان توانایی اعمال علایق و ایستادگی بر آن، بدون داشتن اضطراب و زیر پا گذاشتن حقوق دیگران و آگاهی جنسی به عنوان ارزیابی فرایند های توجه در رفتار جنسی (خودتمرکزی جنسی و شرم) می‌تواند روابط جنسی و زناشویی را تحت تاثیر قرار دهد (بای و همکاران، 1391: 13).

مشارکت کننده ای می‌گوید: «علی رغم اینکه خودم اجازه دادم که رابطه کامل برقرار کنم اما بعد از رابطه هم خوشحال بودم و همین اینکه چیزی اذیتم می کرد مثل حس خیانت به خودم در واقع چالشی از احساس پیروزی و عدم لذت از پیروزی».

بازاندیشی در تعامل جنسی

مقوله دیگری که با آن مواجهیم بازاندیشی در تعامل جنسی است که بدن خود را بشناسیم و از خواسته‌های خود و آنچه مایل به انجام آن نیستیم آگاه باشیم.

طبق نظر مشارکت کنندگان این سؤال همیشه در ذهن وجود دارد که فرد من را برای خودم می خواهد یا مرا برای رابطه جنسی می‌خواهد؟ شاید بتوان گفت این امر قدری در مردسالاری، فرودستی زنان، دسترسی کمتر زنان به منابع قدرت، احساس ناامنی زنان ریشه دارد. مردان راحت وارد رابطه می‌شوند و از آن لذت می‌برند اما زنان شاید به دلیل فرهنگ مردسالار احساس از دست دادن می‌کنند.

مشارکت کننده ای می‌گوید: "من نمی خواهم فقط به خاطر آن رابطه جنسی داشته باشم، می خواهم معنی دار باشد. روابط و نحوه برخورد با آنها را دوباره ارزیابی کردم و شاید دقیقاً آنچه را که از یک رابطه می خواستم به دست نیاوردم".

ضعف مهارت‌های گزینش مناسب

یکی از مهمترین روابطی که انسان ها در طول زندگی خود ایجاد می‌کنند و انتظار دارند که نیاز روحی آنها را، دوست داشتن و دوست داشته شدن را تأمین کند «عشق» است (کاکیا، 1386). استرنبرگ (1994) در نظریه «عشق به مثابه قصه» فرض بر این است که هر فردی گرایش دارد عاشق کسی شود (کرمی و علایی کلجاهی، 1387).

طبق نظر مشارکت کنندگان، احساس نیاز، کنجکاوی، کسب تجربه، شبکه روابط اجتماعی، گروه‌های دوستی، بیکاری، شرایط اقتصادی، فشار فرهنگی، افزایش سن ازدواج، افزایش تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و پیدایش ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جدید در جامعه از عوامل

گسترش روابط پیش از ازدواج به طور کلی در بین زنان و مردان در ایران است. به عبارتی امروزه روابط آزاد، صیغه‌ای، دوستی، همخانه‌ای و روابط مبتنی بر عشق سیال و چیزهایی نظیر آن را داریم. مشارکت کننده‌ای در این رابطه می‌گوید: «همیشه بمن می‌گن هرچوری که باهم جنس رفتار می‌کنی همونطورم باجنس مخالف رفتار کن هیچ فرقی ندارن راحت باش. سخت نگیر. همین که خوش فیزی دوستاتم تایید می‌کنند همیشه تکیه‌ای واسه اعتماد به نفس بالات هی سعی کن ویژگی‌های خوب از خودت پیدا کنی و تکیه کنی به اونا».

مشارکت کننده دیگری در این رابطه چنین می‌گوید: «ما دهه شصتی‌ها جوری بزرگ شدیم که محرم و نامحرم سرمون میشه. برام خیلی سخته وقتی می‌فهمم دخترا همزمان با چند پسر رابطه دارند. از طرفی بخاطر همین کم رویی هیچ وقت نتونستم اونجوری که دوست دارم به شخص مورد علاقم ابراز محبت کنم و همیشه بمن می‌گه تو خشک و بی‌رویی. باور کنید خیلی از روزها دیدن زندگی دیگران و دونفری راه‌رفتن دیگران توی خیابان اذیتم می‌کند و تا چند روز افسرده می‌شوم».

برساخت هویت در فضای مجازی

رسانه‌ها دنیای ناشناخته‌ای را قبلاً مبهم بود، کاملاً شناخته شده ارائه می‌دهند. امروزه رسانه راه‌حلهایی را پیش روی افراد قرار می‌دهد. از سویی نمی‌توان جلوی پیشرفت و تکنولوژی را گرفت و از طرف دیگر نمی‌توان واقعیاتی را که به سبب این پیشرفت در جامعه اتفاق می‌افتد نادیده گرفت. باید هر دو بُعد را مشاهده کنیم. رسانه در بعضی جاها ازدواج و نهاد خانواده را بسیار یکنواخت و فارغ از تنوع نمایش دهد، از سوی دیگر روابط پیش از ازدواج را برای برخی سنین خصوصاً نوجوانان، دارای تنوع و جذاب نمایش می‌دهد که این امر در شکل‌گیری نگرش افراد به نهاد خانواده پیامدهای منفی بسیاری به همراه دارد (ابراهیمی، 1396).

طبق صحبت اکثریت مشارکت‌کنندگان، فضای مجازی می‌تواند روی زندگی افراد تأثیرات زیادی بگذارد و نیاز به رابطه واقعی را از میان بردارد که خود تبعات فراوانی به دنبال دارد.

مشارکت کننده‌ای در این باره چنین می‌گوید: «ارتباطات آنلاین می‌تواند برای هرکسی جنبه‌های هیجان‌انگیز زیادی داشته باشد. ارتباط و آشنایی اینترنتی در اینستاگرام و تلگرام به خودی خود امری اشتباه نیست، اگر زرنگ باشی می‌تونی از طرف برا سرگرمی استفاده کنی بدم بری سراغ یکی دیگه، در فضاهای مجازی حق انتخاب داری در حالیکه اگر ازدواج کنی باید پاسوز یک نفر شد».

مشارکت کننده دیگری می‌گوید: «دوستی در حد چند روز و این که با طرف مقابل دیگه ارتباط برقرار نکنی مشکلی نیست ولی وقتی از چند ماه می‌گذره آدم واقعا وابسته میشه و ترک کردن اون فرد مشکل میشه».

احساس بی‌نیازی و داشتن اولویت‌های متفاوت

اگر در گذشته فردیت معیار اصلی هویت‌زایی برای زنان بود اکنون این مهم در بستری از خود و پیرامون شکل گرفته است (کاستلز، 1380: 22).

زن در موقعیت خود-ابژه‌سازی، مؤلفه‌هایی از جنسیت زنانه را مبنای هویت یابی خویش و همچنین مبنای تعامل با اجتماع مردانه قرار می‌دهد و با اختیار وضعیتی که هویت جنسی‌اش را متجلی می‌کند، به فرایند ابژگی کمک می‌کند (شهبابی و همکاران، 1393: 134).

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «قطعاً خواستگاری داشتم و از بعضی از آنها خوشم آمده ولی چون نمی‌توانستند توقعات مرا در زندگی برآورده کنند ردشان کردم. بدیهی است منی که در ناز و نعمت بزرگ شده‌ام می‌خواهم بعد از ازدواج از لحاظ مالی وضعیتم بهتر از خانه پدری باشد والا چه لزومی دارد خودم را به سختی بیندازم». مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید: «راستش من در خانواده مرفه‌ی بزرگ شده‌ام و حاضر نیستم با هر شرایطی تن به ازدواج دهم، الان در خانه پدری وضعیت خوبی دارم و در این شرایط جز گاه‌گذاری که ترس از تنهایی در دوران پیری به سراغم می‌آید به فکر ازدواج نمی‌افتم. من بیشتر وقتم را با شغل و تفریحات مورد علاقه‌ام پر می‌کنم و اینطوری کمتر خلاء نبودن کسی به عنوان شریک زندگی به سراغم می‌آید».

سم زدایی از روابط گذشته

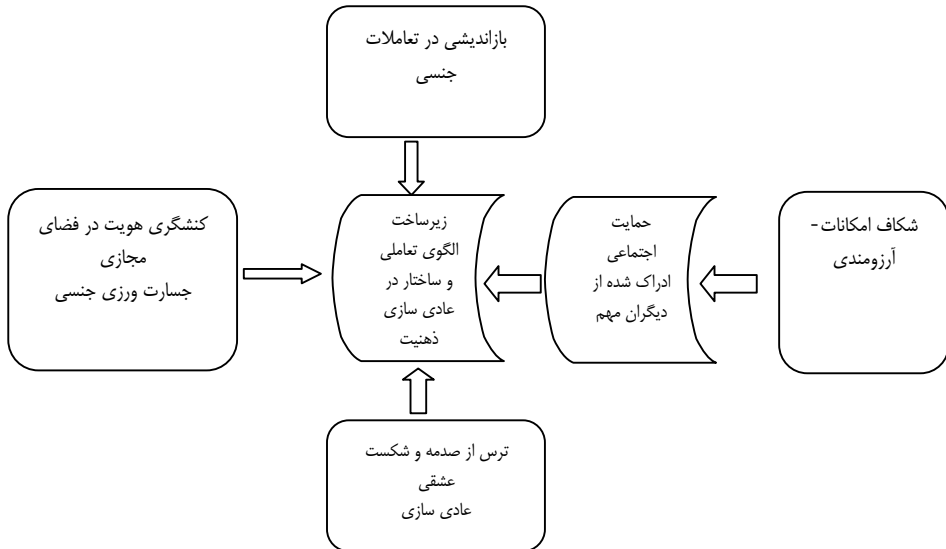
بالارفتن سن ازدواج و افزایش آمار تجرد قطعی در دختران حکایت از تغییرات اجتماعی و فرهنگی دارد که عده‌ای را بابت تضعیف بنیان خانواده، مواجه با بحران جمعیت پیر در سال‌های آینده، کاهش معنادار ازدواج، کاهش آمار تولد و ... نگران می‌کند. این در حالیست که طبق صحبت مشارکت‌کنندگان تجرد به بهبودی و خودشناسی آنان کمک کرده است.

مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید: «فرهنگ و سنت‌های خانوادگی بر میزان اضطراب و نگرانی و شدت و حتی شکل کنش‌ورزی‌هایم تاثیرگذار است. او گفت: "من یک قدم به عقب برداشتم، نحوه برخورد با روابط را دوباره ارزیابی کردم و تصمیم گرفتم قدرتم را پس بگیرم و تا اینجای کار به خوبی پیش می‌رود. او حتی به قرار ملاقات ادامه داد». او گفت: «مردم کاملاً پذیرا و فهمیده بودند. این یک تجربه واقعاً چشم‌نواز بود و به من آموخت که ارزش من بیش از آنچه بدنم می‌تواند بدهد». "[مشاور من] به عنوان راهی برای سم زدایی از تجربیات گذشته، حداقل شش ماه را پیشنهاد کرد».

شکاف امکانات - آرزومندی

احساس محرومیت نسبی به صورت احساس بازیگران بر وجود داشتن اختلافات میان «انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط مشخص می‌شود (گر، 1970: 13). احساس محرومیت

موجب بروز نارضایتی در افراد می‌گردد و این نارضایتی خود تبدیل به محرکی کلی برای اقدام علیه منبع آن محرومیت حتی به «شیوه‌های جدید» می‌شود (آزادارمکی و همکاران، 1390: 453). طبق نظر مشارکت کنندگان، سوژه‌ها احساس می‌کردند که این حقشان بوده که در سنین پایین، ازدواج کنند و از شرایط بهتری در جهت تأمین نیازها برخوردار باشند ولی زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی مختلف، محدودیت‌های فراوانی را برای آنها ایجاد کرده است.



شکل 1: فرآیند ساخت یافتی تجرد زیستی

نتیجه گیری

پس از تحلیل یافته‌ها، 218 مفهوم بالقوه برای مجرد بودن در نمونه فعلی ما را می‌توان در 11 عامل کلی طبقه بندی کرد، که رایج ترین آنها مهارت های ضعیف معاشقه، تمایل به آزاد بودن، ترس از صدمه دیدن، داشتن اولویت‌های مختلف، و بیش از حد حساس بودن و... است. این 11 عامل را می‌توان در چهار حوزه کلی دسته‌بندی کرد که به ترتیب اهمیت طبق صحبت مشارکت-کنندگان عبارتند از: «آزادی» و «ظرفیت کم برای خواستگاری» و اثرات جنسی و سنی معنی‌داری در عوامل و حوزه‌های مختلف می‌باشد. برای مثال، مردان بیشتر از زنان نشان می‌دادند که مجرد هستند تا بتوانند آزادانه معاشقه کنند و به این دلیل که اهل تشکیل خانواده نیستند. در حالی که زنان بیشتر از مردان نشان می‌دهند که مجرد هستند تا آسیب نبینند و به این دلیل که خود را به عنوان همسر مطلوب نمی‌دانند. به علاوه، افراد جوان‌تر به دلیل داشتن مهارت‌های ضعیف در معاشقه، مطلوب

نبودن به عنوان همسر، و به این دلیل که تعهد را دوست نداشتند، بیشتر نشان می‌دادند که مجرد هستند. در حالی که افراد مسن تر به احتمال بیشتری نشان می‌دهند که مجرد هستند تا بتوانند در انجام آنچه می‌خواهند آزادتر باشند.

به طور خاص، در رابطه با حوزه «ظرفیت کم برای خواستگاری»، افراد به دلیل عدم مهارت در معاشقه، مجرد بودن خود را اعلام کرده‌اند. به عنوان مثال، آنها خجالتی، درونگرا بودند، قادر به دریافت علائم علاقه نبودند و اعتماد به نفس نداشتند. این مشکلات در معاشقه را می‌توان با عدم تطابق بین شرایط اجدادی و مدرن توضیح داد: در شرایط اجدادی، که در آن ازدواج ترتیب داده می‌شد و جفت‌گیری اجباری بود، مهارت‌های معاشقه تأثیر محدودی بر ظرفیت جذب همسر داشت. بر این اساس، نیروهای گزینش (خانواده) در شکل دادن ظرفیت معاشقه خوب ضعیف بوده‌اند، که البته در زمینه مدرنی که انتخاب آزادانه اعمال می‌شود، ضروری است. تغییر شدید در شرایط محیطی، از تنظیم یا اجبار انتخاب همسر تا انتخاب آزادانه، همراه با تحولات اخیر این تغییر - ازدواج‌ها فقط چند نسل پیش در اکثر جوامع غربی ترتیب داده شدند (Coontz, ۲۰۰۶) می‌تواند توضیح دهد که چرا مهارت‌های ضعیف در معاشقه شایع‌ترین دلیل مجرد بودن بوده است، اکثریت شرکت‌کنندگان معتقدند که این یکی از دلایل مجرد آنها بوده است. این یافته همسو با پژوهش‌های طالب پور (1401)، مداحی (1400) و پرهوده (1398) می‌باشد.

مضمون دیگر، احساس بی‌نیازی و داشتن اولویت‌های متفاوت می‌باشد. بعبارتی برخی فایده-هزینه ازدواج را با توجه به تحول موقعیت زنان در جوامع امروزی مطرح می‌کنند. از این منظر فرد پیشرفت احساسی، اجتماعی و اقتصادی خود را در شرایط ازدواج و مجرد مقایسه می‌کند و در صورتی که هزینه آن را بیشتر ببیند، از آن امتناع می‌ورزد. بر اساس این رویکرد کسی ازدواج می‌کند که چیزی برای از دست دادن ندارد و احتمال می‌دهد با ازدواج موقعیت خود را ارتقاء دهد. این یافته منطبق با مطالعات آپوسکو (2020)، اسپارکس (2020) و چابکی (1395) می‌باشد. به نظر می‌رسد افرادی که در این حوزه امتیاز بالایی کسب کرده‌اند، عمدتاً به دلیل ظاهرشان، خود را به عنوان همسر نامطلوب می‌دانند. مشکل عدم تطابق تکاملی نیز احتمالاً در اینجا مطرح است. هنگام تنظیم ازدواج، والدین علاقه چندانی به قیافه همسر آینده خود ندارند (آپوستولو، 2014).

بر این اساس، نیروهای انتخابی که بر روی ویژگی‌هایی که برای زوج جذاب تلقی می‌شوند و/یا مکانیسم‌های تنظیم‌کننده توجه به ظاهر عمل می‌کنند، احتمالاً نسبتاً ضعیف هستند (Apostolou, ۲۰۱۴) و چنین ترجیحات متفاوتی احتمالاً نشان می‌دهد که آزادی فرد بسیار مهم تر از موفقیت فرد در انتخاب همسر است.

عادت به روزمرگی یکی دیگر از مضامین پژوهش حار می باشد. به عبارتی آنچه امروز در جامعه شکل گرفته این است که ساختار جامعه به سمت ذره‌ای شدن پیش می‌رود، در حقیقت تمیزه شدن با فردگرایی تفاوت‌هایی دارد، در تمیزه شدن فرد خواسته‌های خود را بدون در نظر گرفتن معیارهای اخلاقی مدنظر قرار می‌دهد یعنی همانطور که فرد در جامعه می‌تواند نیازهای خود را برآورده کند، قید و بندها و مسئولیت‌های خانوادگی ندارد و با در نظر گرفتن وضعیت امروز جامعه و متغیرهای فردی، اجتماعی و فرهنگی عدم تمایل به ازدواج دختران و پسران یک کنش عقلانی مناسب اوضاع جامعه امروز است. این یافته منطبق با پژوهش‌های گروناوب و همکاران (2022)، آپوسکو (2020)، مداحی (1400) و پرهوده (1398) می باشد.

از دیگر مضامین ظهور یافته در پژوهش حاضر، بر ساخت هویت در فضای مجازی می باشد، مردم در جوامع معاصر تا حد زیادی در معرض تصاویر تلویزیونی، فیلم‌ها و تصاویر افرادی هستند. آمار بالای طلاق‌ها و اختلافات و تجارب تلخی که مزدوجین از ازدواج خود ارائه می‌دهند سبب می‌شود فردی که می‌خواهد در خصوص ازدواج تصمیم بگیرد دچار نگرانی و تشویش گشته و با احتیاط و نگرانی و در بسیاری موارد با تأخیر اقدام به ازدواج بنماید. این یافته منطبق با پژوهش شهانواز (1398) و پرهوده (1398) است.

شکاف امکانات - آرزومندی یکی دیگر از مضامین ظهور یافته در پژوهش حاضر می‌باشد که در اصل اشاره به زمانی دارد که افراد یک جامعه برای ازدواج خود برمی‌گزینند آئینه تمام‌نمایی از باورها و نگرش‌ها، وضعیت اقتصادی جامعه، سیاست‌های مربوط به کنترل جمعیت، توقعات و انتظارات افراد جامعه در خصوص سطح امکانات و رفاه، گرایش به تحصیلات عالی و ده‌ها متغیر تأثیرگذار دیگر است. این یافته با نتایج پژوهش طالب پور (1400)، گنجی (1400)، اسپارکس (2022) گروناوب و همکاران (2022) همسو می باشد.

در نهایت می‌توان گفت که، نقش خانواده‌ها نیز عامل تعیین‌کننده در نگرش و ذهنیت جوانان در خصوص ازدواج است. با تمام گرایشی که جوانان به استقلال از خانواده نشان می‌دهند، انتظارات، ارشادات و القائات خانواده در شکل‌گیری ذهنیت و تصمیم جوانان مؤثر است. خانواده‌ای که در نهایت سلامت و ثبات با برنامه‌ریزی صحیح و دقیق، بستر اقتصادی و امنیت روانی مناسبی برای فرزندان خود فراهم می‌سازند و یا این‌که برعکس با اختلافات و کشمکش‌های والدین و بی‌ثباتی و ناامنی اقتصادی و روانی سرنوشت ازدواج فرزند به دست تقدیر و طبیعت می‌سپارند تأثیر به‌سزایی در چنودچون ازدواج دارند. بنابراین پیشنهاد می‌شود والدین باید بیشتر به نظر جوانان اهمیت دهند.

منابع و مأخذ:

- ابکی، ام البنین (1395)، «روایت دختران 45 سال به بالای شهر تهران از علل تجرد قطعی». مجله مطالعات اجتماعی ایران، 10(2-3)، 102-123
- بای، فاطمه، بهرامی، فاطمه، فاتحی زاده، مریم، احمدی، سیداحمد، اعتمادی، عذرا (1391) بررسی نقش جرأت ورزی و خودآگاهی در پیشبینی عملکرد جنسی زنان، اندیشه و رفتار، 7 (26)، 7-15.
- پرهوده، فرزاد، فاتحی، ابوالقاسم، مرادی، اکبر (1398)، «گرایش دانشجویان مرد 26 سال به بالا به تجرد نسبی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد شهر اسلام آباد غرب)»، مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه شناسی، 2(1)
- شهانواز سارا، اعظم آزاده منصوره (1398)، «شناسایی و تحلیل پیش‌ران‌های مؤثر بر تجرد در ایران». مسائل اجتماعی ایران، 10 (2): 157-191
- مداحی، جواد، زارع، بیژن، سراج زاده، سید حسین، حبیب پور گنتابی، کرم. (1400)، «مسئله تجرد: سوژه و زیست‌جهان نو پدید دختران شهر تهران». بررسی مسائل اجتماعی ایران، 12(1)، 7-43
- کرمی، ابوالفضل و علایی کلجاهی، پروانه (1387)، مقیاس قصه عشق. تهران: نشر روانسنجی.
- کاکیا، لیدا (1386)، عشق و ازدواج. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان
- کاستلز، مانوئل (1380)، عصر اطلاعات، قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، ج 2، تهران: طرح نو
- گنجی، محمد، پیری، حسن، واحدیان، مرتضی (1400)، «گونه شناسی دختران ازدواج نکرده ایلامی برحسب دلایل تجرد»، زن و خانواده، 9(1)
- شهایی، محمود، اعطاف، وحید (1393)، «مطالعه پدیدار شناسانه نگرانی مردان از ابژه سازی و خود ابژه سازی زنان»، جامعه شناسی ایران، 15(2)، 126-152.
- آزاد ارمکی، تقی، شریفی ساعدی، محمدحسین (1390)، «تبیین جامعه شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران»، خانواده پژوهی، 7(28)، 435-462.
- کرایب، یان (1383)، مدرنیت در آرای گیدنز، حامد حاجی حیدری و حمید پوررنگ، فصلنامه راهبرد، شماره 32
- طالب پور، اکبر، بیرانوند، معصومه (1401)، «بررسی تجربه زیسته تجرد قطعی از منظر دختران مجرد»، زن و جامعه، 13 (51)، 95-114.

References

- Adamczyk, K. (۲۰۱۶), An investigation of loneliness and perceived social support among single and partnered young adults. *Current Psychology: A Journal for Diverse Perspectives on Diverse Psychological Issues*, ۳۵(۴), ۶۷۴-۶۸۹. <https://doi.org/10.1007/s12144-015-9337-7>
- Adamczyk, K (۲۰۱۷), Voluntary and Involuntary Singlehood and Young Adults' Mental Health: An Investigation of Mediating Role of Romantic

- Loneliness, *Current Psychology* (New Brunswick, N.j, ۳۶(۴): ۸۸۸-۹۰۴.
doi: ۱۰.۱۰۰۷/s۱۲۱۴۴-۰۱۶-۹۴۷۸-۳
- Apostolou, M. (۲۰۱۵), Past, present and why people struggle to establish and maintain intimate relationships. *Evol. Behav. Sci.* ۹, ۲۵۷-۲۶۹. doi: ۱۰.۱۰۳۷/ebs۰۰۰۰۰۵۲
- Apostolou, M. (۲۰۱۷), Why people stay single: an evolutionary perspective. *Pers. Individ. Diff.* ۱۱۱, ۲۶۳-۲۷۱. doi: ۱۰.۱۰۱۶/j.paid.۲۰۱۷.۰۲.۰۳۴
- Apostolou, M. (۲۰۱۹), Why men stay single: evidence from reddit. *Evol. Psychol. Sci.* ۵, ۸۷-۹۷. doi: ۱۰.۱۰۰۷/s۴۰۸۰۶-۰۱۸-۰۱۶۳-۷
- Apostolou, M., Papadopoulou, I., and Georgiadou, P. (۲۰۱۹), Are people single by choice: involuntary singlehood in an evolutionary perspective. *Evol. Psychol. Sci.* ۵, ۹۸-۱۰۳. doi: ۱۰.۱۰۰۷/s۴۰۸۰۶-۰۱۸-۰۱۶۹-۱
- Apostolou, M., and Christoforou, C. (۲۰۲۰), The art of flirting: what are the traits that make it effective? *Pers. Individ. Diff.* ۱۵۸:۱۰۹۸۶۶. doi: ۱۰.۱۰۱۶/j.paid.۲۰۲۰.۱۰۹۸۶۶
- Buss, D. M. (۲۰۱۷), *The Evolution of Desire: Strategies of Human Mating*, ۴th Edn. New York, NY: Basic Books.
- Glenn, ND (۱۹۸۸), Weaver CN. The changing relationship of marital status to reported happiness. *Journal of Marriage and Family.* ۵۰(۲):۳۱۷-۳۲۴. doi: ۱۰.۲۳۰۷/۳۵۱۹۹۹.
- Grunau, K., Bieselt, H. E., Gul, P., & Kupfer, T. R. (۲۰۲۲), Unwanted celibacy is associated with misogynistic attitudes even after controlling for personality. *Personality and Individual Differences*, ۱۹۹, ۱۱۱۸۶۰.

- Hitsch, G. J., Hortascu, A., and Ariely, D. (۲۰۱۰), What makes you click? Mate preferences in online dating. *Quant. Mark. Econ.* ۸, ۳۹۳-۴۲۷. doi: ۱۰.۱۰۰۷/s۱۱۱۲۹-۰۱۰-۹۰۸۸-۶
- Luo, S. (۲۰۱۷), Assortative mating and couple similarity: patterns, mechanisms, and consequences. *Soc. Pers. Psychol. Compass* ۱۱: e۱۲۳۳۷. doi: ۱۰.۱۱۱۱/spc۳.۱۲۳۳۷
- Lehnart J, Neyer FJ, Eccles J. (۲۰۱۰), Long-term effects of social investment: the case of partnering in young adulthood. *Journal of Personality.* ۷۸(۲):۶۳۹-۶۷۰. doi: ۱۰.۱۱۱۱/j.۱۴۶۷-۶۴۹۴.۲۰۱۰.۰۰۶۲۹. x.
- LeVay, S. (۲۰۱۰), *Gay, Straight, and the Reason Why: The Science of Sexual Orientation*. Oxford: Oxford University Press.
- Maffesoli, Michel; *Le Temps des Tribus, Le Déclin De L'individualisme Dans Les Sociétés De Masse*; Paris, Méridiens Klincksieck (۱۹۸۸), An Investigation of Loneliness and Perceived Social Support Among Single and Partnered Young Adults, ۳۵(۴):۶۷۴-۶۸۹. Epub ۲۰۱۵ Jun ۱۱, doi: ۱۰.۱۰۰۷/s۱۲۱۴۴-۰۱۵-۹۳۳۷-۷.
- Næss S, Blekesaune M, Jakobsson N. Marital (۲۰۱۵), transitions and life satisfaction: Evidence from longitudinal data from Norway. *Acta Sociologica* ۵۸(۱):۶۳-۷۸. doi: ۱۰.۱۱۷۷/۰۰۱۶۹۹۳۱۴۵۶۳۸۴۱.
- Pepping, C. A., & MacDonald, G. (۲۰۱۹), Adult attachment and long-term singlehood. *Current Opinion in Psychology*, ۲۵, ۱۰۵-۱۰۹.
- Singles' Reasons for Being Single: Empirical Evidence from an Evolutionary Perspective, Sec. (۲۰۲۰), *Evolutionary Psychology*, ۱۱
- Sparks, B., Zidenberg, A. M., & Olver, M. E. (۲۰۲۲), Involuntary celibacy: a review of incel ideology and experiences with dating, rejection, and

associated mental health and emotional sequelae. Current psychiatry reports, ۱-۱۰.

Tooby, J., and Cosmides, L. (۲۰۰۵), "Conceptual foundations of evolutionary psychology," in *The Handbook of Evolutionary Psychology*, ed. D. M. Buss (New York: Wiley), ۵-۶۷. doi: ۱۰.۱۰۰۲/۹۷۸۰۴۷۰۹۳۹۳۷۶.ch۱

Watson, D., Beer, A., and McDade-Montez, E. (۲۰۱۴), The role of active assortment in spousal similarity. *J.Pers.* ۸۲, ۱۱۶-۱۲۹. doi: ۱۰.۱۱۱۱/jopy.۱۲۰۳۹